

گفت‌وگوی «جوان» با مسئول کارگروه جمعیت مرکز ارزیابی اجرای سیاست‌های کلی نظام

سالمندی مهم‌ترین چالش سال‌های آینده است



ما دهه شصتی‌هایی را داریم که خیلی‌ها ایشان احتمالاً تحت پوشش نهادهای حمایت‌گر اجتماعی، بیمه‌ها و صندوق‌های اجتماعی نخواهند بود. ما اقشاری را داریم که زیرساخت‌های لازم برای حمایت از آنها وجود نخواهد داشت. پس ما برای افزایش کیفیت زندگی سالمندان که جمعیت‌شان به شدت در حال افزایش است، نیاز به یک سالمندی فعال داریم

زهرآ چیدری

سالمندی مهم‌ترین چالش نظام مدیریتی کشور در سال‌های آینده است. امروز جامعه ما در عمل وارد میان‌سنالی شده است و تا دو-سه دهه آینده سالمندان چیزی حدود یک سوم جمعیت کشور را تشکیل خواهند داد. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که اگر ما بخواهیم این حجم از جمعیت سالمند را به خوبی مدیریت کنیم و از چالش‌های آنان برای دوران سالمندی بکاهیم، ناگزیر هستیم از همین امروز

کنند، خیلی بیشتر می‌شود. از سوی دیگر همان طور که اشاره داشتید میزان طلاق و تجرد اختیاری باعث می‌شود درصد محسوسی از سالمندان ما تنهایی را تجربه کنیم و این تأثیرات فردی خانوادگی و اجتماعی زیادی را می‌تواند ایجاد کند. از این منظر یکی دیگر از دلایل موضوع تجرد است که می‌تواند ناشی از تجرد اختیاری، طلاق یا تجرد ناشی از فوت همسر باشد.

آقای قاسمی، سالمندان امروز کشورمان اغلب تعداد فرزندان بیشتری دارند و کمتر تک فرزندان اما باز هم برخی از آنها تنهایی را تجربه می‌کنند. آیا آماری از سالمندان تنها در شرایط فعلی کشور داریم و دلایل تنهایی این سالمندان چیست؟

نمی‌توان آمار دقیق داد اما امروز حدود ۶۰ درصد سالمندان از تنهایی رنج می‌برند. این ۶۰ درصد همه بی‌فرزند یا کم‌فرزند نیستند. چه بسا بسیاری از این سالمندان فرزندان دارند اما به جهت اشتغالات و درگیری‌های بسیار زیاد فرزندان در مشغله‌های زندگی امکان رسیدگی به والدین در آنها کمتر شده است. البته این ریسک در والدین تک‌فرزند یا بی‌فرزند خیلی بیشتر است. بخشی از رنج بردن از تنهایی‌های افراطی سالمندان امروز ناشی از این است که دوره سالمندی نیازها و اقتضات خود را دارد که با نیازها و اقتضات دوره جوانی فرق می‌کند و چه بسا بخشی از این افراد در دوره جوانی خود با هزار توجه و دلیل به فرزند و تک‌فرزندی و تک‌فرزندی روی آورده باشند در حالی که نیازها و اقتضات دوره سالمندی متفاوت است و حالا در سنین سالمندی این نیازهاشان تأمین نمی‌شود.

خب طبیعتاً جامعه در برابر سالمندان و چالش‌هایی همچون تنهایی آنها هم مسئول است. چه تدابیری برای رفع این معضل می‌توان در نظر گرفت؟

موضوع تنهایی در سالمندی امری جدی است و باید راهکارهای قانونی و فرهنگی برای فعال کردن سالمندان و همچنین فرهنگ‌سازی برای ازدواج در میان سالمندان داشتن زندگی سالم برای آنها داشته باشیم. از سوی دیگر راهبرد بسیار مهم و توصیه من این است که ما باید به جوانان امروزمان کمک کنیم تا بتوانیم ۳۰ سال آینده خود را ترسیم کنند. اگر جوانان ما بتوانند در یک جهش زمانی ۳۰ سال آینده خودشان را ترسیم کنند، آنگاه خواهند دید که امروز باید در الگوی فرزندآوری خود تجدیدنظر کنند تا در دوره سالمندی با چالش‌های احتمالی کمتری مواجه شوند.

طبق پژوهش‌ها ایران از نظر به زیستی سالمندان در شرایط خوبی قرار ندارد و ما رتبه ۶۴ را در بین ۹۷ کشور جهان به خود اختصاص داده‌ایم. با عنایت به روند پیری جمعیت و اینکه طی دو-سه دهه آینده آمار سالمندان کشورمان به چیزی حدود یک سوم آمار جمعیت می‌رسد باید چه برنامه‌های برای مواجهه با این حجم از جمعیت سالمند داشته باشیم؟

سالمندی جمعیت یک ترند عمومی در دنیا است و

برنامه‌ریزی‌های ما را آغاز کنیم و برای مواجهه با خیل عظیم سالمندان که در واقع آینده اغلب ماست تدبیر داشته باشیم. این در حالی است که همین امروز هم سالمندان در جامعه ما با چالش‌های متعددی مواجهند و کشور ما در بین ۹۷ کشور دنیا به لحاظ شاخص‌های به زیستی سالمندان در رتبه ۶۴ قرار دارد. امروز هم بسیاری از سالمندان ما در حالی که تنها حدود ۱۰ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهند تحت حمایت هیچ یک از نهادهای حمایت‌گر اجتماعی نیستند و ناگزیرند

برای جور کردن معادله دخل و خرج خود همچنان در ایام سالمندی هم کار کنند. از سوی دیگر یکی از پدیده‌های مهم در حوزه سالمندی در جامعه ما پدیده زنان شدن سالمندی و تغییر ترکیب جمعیتی سالمندان به نفع زنان است. برای واکاوی چالش‌های سالمندی و چگونگی مواجهه با این پدیده و برنامه‌ریزی برای مدیریت آن از همین امروز به سراغ صالح قاسمی پژوهشگر و مسئول کارگروه جمعیت مرکز ارزیابی اجرای سیاست‌های کلی نظام رفته و با وی به گفت‌وگو نشستیم.

و این ویژگی‌ها چیست؟

یکی اینکه ایران سرعت سالمند شدن را در جهان به نام خودش ثبت می‌کند و دوم ایران بیش از دستفابی به توسعه یافتگی، رشد اقتصادی و پیشرفت وارد فاز اجتماعی می‌شود. کشورهایی در دنیا که به سمت سالمندگی جمعیت رفته‌اند این روند سالمندگی را در یک بازه زمانی حدود ۱۳۰ تا ۱۵۰ سال طی کرده‌اند و به جهت این روند بسیار آرام، زیرساخت‌ها و نظام مدیریت برنامه‌ریزی برای مواجهه با جمعیت سالمند را آماده کرده‌اند. همچنین به لحاظ فرهنگی خانوادگی مردم توانسته‌اند این را حس و درک کنند و مواجهه فرهنگی اجتماعی درستی با پدیده سالمندی اتفاق افتاده است. اما در ایران همین روندی که کشورهای دیگر در ۱۳۰ تا ۱۵۰ سال طی کردند در حدود ۲۵ تا ۳۰ سال در حال طی شدن است. در واقع سرعت سالمندگی جمعیت ایران یک رکورد جهانی است. این سرعت بالای سالمندگی جمعیت باعث می‌شود تا زیرساخت‌های لازم برای سالمندان آماده نشود. همچنین فهم موضوع به لحاظ همگانی، نخبگانی و مدیریتی در دست اتفاق نمی‌افتد و نظام مدیریت و برنامه‌ریزی آمادگی برای مواجهه با سالمندگی جمعیت را نخواهد داشت.

عدم رشد و توسعه پیش از سالمندگی جمعیت یکی از عواملی است که شما به عنوان مسئله‌ای برای تعمیق ابعاد چالش‌های سالمندی در ایران از آن یاد کردید. این توسعه باید چگونه و در چه ابعادی رخ می‌داد که حالا اتفاق نیفتاده است؟

درباره عدم رشد و توسعه پیش از سالمندگی جمعیت هم باید گفت بسیاری از کشورهای جهان پس از آنکه روند مدرنیزاسیون و روند توسعه و پیشرفت و رشد اقتصادی را طی کنند وارد فاز سالمندگی جمعیت می‌شوند اما ایران پیش از توسعه یافتگی و رشد اقتصادی وارد سالمندگی جمعیت می‌شود و این باعث می‌شود پیامدهای سالمندگی جمعیت برای ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، سیاسی، مدیریتی و سایر ساختارهای کشور بسیار زیاد باشد و این دو ویژگی ایران را متمایز می‌کند.

بسیاری از افراد در بازه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال یعنی دهه شصتی‌ها، همان سونامی سالمندان دهه‌های آینده را تشکیل می‌دهند که در صد قابل توجهی از آنها فاقد حمایت‌های بیمه‌ای و شغلی مناسب و طبیعتاً فاقد حقوق بازنشستگی خواهند بود. تکلیف این گروه چه می‌شود و چه تدبیری باید برای آنها داشت؟

بدین منظور چند کار باید اتفاق بیفتد. اولاً باید برای سالمندان افرادی که وارد سالمندگی می‌شوند زیرساخت‌هایی برای سالمندی سالم و سالمندی فعال آماده شود. سالمندان نباید زمین‌گیر و خانه‌نشین شوند و باید فعال اجتماعی باشند و حتی بعضاً در شغل‌های مختلف شافل باشند که هم به نفع خودشان است و هم به نفع جامعه.

بسیاری از کشورها سندهایی را تحت عنوان سند

سالمندی فعال طراحی کرده‌اند. همانطور که اشاره داشتید ما دهه شصتی‌هایی را داریم که خیلی‌ها ایشان احتمالاً تحت پوشش نهادهای حمایت‌گر اجتماعی، بیمه‌ها و صندوق‌های اجتماعی نخواهند بود. ما اقشاری را داریم که زیرساخت‌های لازم برای حمایت از آنها وجود نخواهد داشت. پس ما برای افزایش کیفیت زندگی سالمندان که جمعیت‌شان به شدت در حال افزایش است، نیاز به یک سالمندی فعال داریم. اما یک راه مواجهه جدی دیگر با پدیده سالمندگی جمعیت این است که ما جمعیت در سنین پایین را افزایش دهیم. بدین منظور دو راه داریم یکی افزایش زاد و ولد و دوم افزایش مهاجرپذیری. افزایش زاد و ولد در اولویت است و اگر ساختار جمعیتی کشور به گونه‌ای باشد که ما بتوانیم افزایش زاد و ولد را رقم بزنیم این قطعاً به نفع کشور و بهتر است. اما اگر این چنین نباشد باید در کنار راهبرد افزایش زاد و ولد و حمایت از فرزندان آوری، راهبرد مهاجرپذیری را هم روی میز داشته باشیم.

اما مهاجرپذیری پدیده‌ای است که چالش‌های بسیاری را در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی به دنبال می‌آورد. تحت چنین شرایطی شما برای ترمیم جمعیت کشور، باز هم قائل به مهاجرپذیری هستید؟

در حوزه مهاجرپذیری باید پیوست‌های جدی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ناشی از آن را هم در نظر بگیریم و کشورهایی که نزدیک‌ترین فرهنگ‌ها را به کشور ما دارند به صورت کاملاً هوشمند و هدفمند مهاجرپذیری داشته باشیم. اگر ما سیاست و راهبرد مشخص و کاملاً علمی و هوشمندی در این رابطه نداشته باشیم هم این اتفاق می‌افتد اما خارج از اراده ما و ما در مقابل عمل انجام‌شده فرار می‌گیریم.

در نهایت اگر بخواهید از صحبت‌های خود یک جمع بندی داشته باشید به چه نکاتی اشاره می‌کنید؟

بند قائلم از همین الان برای مواجهه با سالمندگی جمعیت باید چند کار فوراً انجام شود و یک سند سالمندی فعال برای افزایش کیفیت زندگی و فعال شدن سالمندان باید طراحی شده و در دستور کار نهادهای کشور قرار بگیرد. دوم افزایش زاد و ولد در برای آن برنامه‌ریزی و طراحی‌هایی داشته باشیم. اصلی‌ترین چالش آینده نظام مدیریتی کشور در سنین سالمندگی کشور است و متأسفانه عموم مردم و فراتر از آن نخبگان و برخی مدیران کشور نسبت به آن دچار غفلتی هستند که من آنرا گاهی شبیه تغافل می‌بینم و این نگران کننده می‌شود. وقتی نظام برنامه‌ریزی کشور تعدد دارد که به این موضوع توجه نکند و بعضاً می‌بینیم برخی کارشناسان صحبت‌های غیر علمی دارند و بعضاً سالمندگی جمعیت را حسن می‌دانند به جای آنکه عیب بدانند متخیر می‌شوم که این براساس کدام داده و محتوای علمی است. من معتقدم ما باید به یک پوشش عمومی برای تبیین سالمندگی جمعیت ایران برسیم.

جمعیت‌یاب‌در



راهکار منطقی

جوان نگرداشتن ترکیب جمعیتی

مهدی نیک‌ضمیر شاید شما هم گردشگران خارجی را دیده باشید، زنان و مردان سالمندی که در دوران بازنشستگی انقدر از نظر مالی تأمین هستند که می‌توانند باقیمانده عمرشان را به گشت و گذار و جهانگردی بپردازند.

از تفاوت ارزش پول کشوری چون ایران با ارزش دلار که موجب می‌شود این جهانگردی خیلی هم برای این افراد گران تمام نشود که بگذریم، واقعیت این است که بسیاری از کشورهای پیشرفته برنامه‌ریزی مناسبی برای تأمین اجتماعی و بهزیستی سالمندان خود ارائه کرده‌اند.

شاید یکی از دلایل این برنامه‌ریزی مناسب، روند منطقی و طبیعی پیری و سالمندی جمعیت این کشورها باشد. به گونه‌ای که براساس مطالعات در اغلب کشورهای جهان پیری جمعیت طی یک بازه زمانی حدود ۱۵۰ ساله اتفاق افتاده است.

یعنی چیزی نزدیک به یک قرن و نیم‌بانبر این، این بازه زمانی فرصتی مناسب را برای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در عرصه زندگی سالمندان فراهم آورده است. در کشور ما اما تغییرات جمعیتی با شیب بسیار تند بوده است.

همچنان که جمعیت کشورمان از حدود ۳۵ میلیون در سال ۵۷ در بازی بازه‌ای ۲۰ ساله به حدود ۸۰ میلیون نفر در سال ۹۰ رسید. روند کاهش جمعیت کشور هم از سال ۷۰ آغاز شد. به گونه‌ای که اگر پیری و سالمندی جمعیت که در اغلب کشورهای دنیا ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال طول کشیده است، در کشور ما این روند طی مدت زمان حدود ۲۵ سال طی شده است. بدین‌وسیله این زمان کوتاه فرصت مناسبی را برای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در عرصه مواجهه با پدیده سالمندی جمعیت فراهم نمی‌کند. همین امروز هم بخشی از جمعیت سالمند کشورمان که چیزی حدود ۱۰ درصد از جمعیت را شامل می‌شود و نزدیک به ۸ میلیون نفر هستند، از نظر اقتصادی و اجتماعی در شرایط مناسبی به سر نمی‌برند.

همه‌ما در سطح شهر و در اماکن عمومی با سالمندانی که به مشاغل کاذب روی آورده‌اند، دستفروشی یا حتی در پیوژی می‌کنند مواجهیم! بسیاری از شرکت‌های خصوصی مشاغل خدماتی همچون آبارچی را به زنان و مردان سالمند و بازنشسته‌های واکذار می‌کنند که با حقوق کمتر و بدون بیمه حاضر به کار هستند.

این برش اجتماعی از زندگی سالمندان در همه‌ما در نشان می‌دهد متأسفانه برنامه‌ریزی‌های مناسبی برای برخورداری از یک زندگی سلامت و بی‌غدغه برای این پذیرزگ‌ها و مادر بزرگ‌ها فراهم نشده است و این افراد پس از یک عمر کار و تلاش، در سال‌های پایانی جامعه عمرشان هم برای برخورداری از حداقل‌ها ناگزیر از کار هستند. با دیدن وضعیت سالمندان امروز نگرانی‌ها بابت دو-سه دهه آینده و افزایش جمعیت سالمندی کشور به چیزی نزدیک به یک سوم ترکیب جمعیتی بیشتر و بیشتر می‌شود. اینجاست که شاید یکی از اجزای‌ترین نسخه‌ها افزایش جمعیت جوان و زاد و ولد باشد تا این ترتیب بتوانیم هرم سنی جامعه را تا حدودی جوان‌تر نگه‌داریم.

اهمیت این جوان‌تر نگه‌داشتن هرم سنی جامعه، برای طی کردن دوران سالمندی آرام‌تر و قشر جوان و میانسالی جامعه هستند، باید بدانید که خدمات را به عهده می‌گیرند و به بیان صریح‌تر لاف‌اشخاصی هستند تا از سالمندان مراقبت کنند اما سنگ به شرایطی برسیم که ترکیب سنی جامعه به استقامت یک سوم از جمعیت سالمندان برود، در عمل حتی کسی نیست تا از سالمندان نیازمند به خدمات اجتماعی و... مراقبت و نگهداری کند.

اگر شما هم در مرز بین ۲۰ تا ۴۰ سالگی قرار دارید و جزو جمعیت دهه شصتی‌ها هستید، باید بدانید شما هم یکی از همان سالمندانی هستید که طی ۲ تا ۳ دهه آینده جمعیتشان بسیار افزایش می‌یابد. امروز این فرصت برای جوانان و افراد در سنین باروری فراهم است تا نقش خود را در تعیین ترکیب جمعیت جامعه ایفا کنند. خانواده‌هایی که می‌توانند با داشتن تعداد فرزندان بیشتر، احتمال تنهایی و سختی‌های دوران پیری خود را کاهش دهند. همچنان که فرزندان آنها می‌توانند به چرخاندن چرخ‌های جامعه و خدمت‌رسانی به سایر اعضای جامعه هم تأثیرگذار باشند. در واقع هر کدام از خانواده‌ها با افزایش فرزندآوری در چه نخبست به آینده خود و سپس به طور طبیعی کمک می‌کنند.